

## کنفرانس جهانی احزاب کمونیست - کارگری - آتن



\* سخنرانی نماینده کمیته مرکزی حزب در کنفرانس  
 \* کمونیست های جهان اعلام کردند که آینده ایران باید تنها از طرف خود مردم ایران و نیروهای مترقی و دموکراتیک آن، و نه از طریق یک «راه حل جایگزین» تحمیل شده از طرف نیروهای خارجی تعیین شود.  
 \* کنفرانس ضرورت گسترش فعال همبستگی سیاسی و حمایت در میان احزاب کمونیست و کارگری، و در میان جنبش های مردمی را مورد توجه قرار داد.

ادامه در صفحات ۹، ۱۰ و ۱۱



شماره ۶۹۸، دوره هشتم  
سال بیستم، ۵ آبان ماه ۱۳۸۳

به مناسبت پنجاهمین سال تیرباران افسران توده ای صفحات ۴، ۵ و ۶

### حرکت در مسیر بن بست

تحولات پُرشتاب در آرایش سیاسی نیروهای درون و پیرامون حاکمیت، با نزدیک شدن زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ابعاد گسترده و ژرفی به خود می گیرد. سرانجام میرحسین موسوی همانگونه که انتظار می رفت، عدم پذیرش خود را از دعوت برای نامزدی انتخابات اعلام داشت و به دنبال آن ائتلاف نیروهای دوم خرداد با چالش های جدی روبرو گردیدند. به فاصله اندکی از انصراف میرحسین موسوی، جبهه مشارکت آغاز رایزنی با مصطفی معین برای نامزدی در انتخابات را

ادامه در صفحه ۲

### مبارزه متحد پاسخ طبقه کارگر به توطئه ارتجاع

نامه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن به وزیر کار در خصوص تغییر قانون کار بخشی از اقدامات حساب شده و سازمان یافته ارتجاع در آستانه انتخابات ریاست جمهوری آینده است. این اقدام بیش از هر چیز اشاره ای به محافل قدرتمند سرمایه داری جهانی به منظور کسب حمایت

ادامه در صفحه ۳

### «اشتباه بزرگ خاتمی»

### قضات واقع بینانه ای که باید از آن استقبال کرد

که حتی توان دفاع از وزرای خود را نیز ندارد روشنگر بحرانی است که دولت خاتمی و همراهان آن با آن روبه هستند. در طول هشت سال گذشته در مقاطع حساس و آنگاه که مواضع قاطع با اتکاء به توان عظیم جنبش توده ای می توانست تأثیر گذار باشد، عمل قاطع جای خود را به ملاحظه برای «حفظ نظام»، نصایح تو خالی داد و در انتها نیز آنچه حفظ شد همان استبداد قرون وسطایی بود که در طول دو دهه گذشته حیات جامعه و مردم میهن ما را به سیاهی کشانده است. مدتها پیش خاتمی در بیانیه یی با عنوان «برای فردا» تلاش کرد که مسایل و موضوع گیری خود و یارانش را توضیح و توجیه کند و شکست روند اصلاحات از بالا را به دلیل فرهنگ استبداد زدگی و در مجموع نیروهای غیبی بدانند که نگذاشتند این امر جلو برود. ما به موقع خود در این زمینه اشاره کردیم که «نامه برای فردا» نه تنها پیامی برای آیندگان نیست بلکه از توضیح واقع گرایانه مسایل امروزی نیز عاجز مانده است و در واقع تکرار مکرر همان سیاست ها و موضع گیری های اشتباهی است که روند اصلاحات را با چنین بن بست

ادامه در صفحات ۷ و ۸

موضوع اتخاذ راه کارهای مناسب مبارزاتی و چگونگی به پیش بردن امر اصلاحات اکنون مدتهاست که یکی از مسایل مهم مورد بحث در میان اصلاح طلبان حکومتی و نیروهای پیرامونی آنها و همچنین نیروهای دگراندیش، ملی و دموکراتیک کشور است. اتخاذ سیاست های مماشات گرانه و تسلیم طلبانه در لابلای شعارهایی همچون «آرامش فعال» و حفظ و احترام به خطوط قرمزی که ارتجاع حاکم برای خاتمی و یارانش تعیین کرده بود و عقب نشینی گام به گام در مقابل تهاجمات فزاینده ارتجاع، در مجموع جنبش اصلاح طلبی را با دشواری های زیادی روبه رو ساخت. ناامیدی مردم از تعهد و توان خاتمی و یارانش به اجرای قول هایی که داده بودند و نبود یک جایگزین مطمئن و دموکراتیک در مقابل رژیم ولایت فقیه شرایط ادامه حیات و تقویت مواضع به شدت تضعیف شده تاریک اندیشان حاکم را که پس از دوم خرداد ۷۶، در عقب نشینی کامل بودند فراهم آورد. بررسی وضعیت امروز جامعه ما، پراکندگی و بی عملی کسانی که زمانی رای بیست میلیونی مردم را با خود داشتند، و در واقع تکرار شعارها و مواضع شکست خورده و آزمون شده هشت سال گذشته و ناتوانی کامل دولت

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

## ادامه حرکت در مسیر بن بست ...

اعلام کرد؛ در ارزیابی های انتشار یافته پیرامون این معرفی از جمله می توان به این امر که وی از چارچوب ها و ارزش هایی برخوردار می باشد که مخالفان اصلاحات به حسب ظاهر بر آن پامی فشارند و نیز در تمام سال های پس از دوم خرداد هرگز از سوی مخالفان با اتهاماتی نظیر گرایش به آمریکا و غرب، بی توجهی به مسایل شرعی و لایبیک و سکولار بودن روبرو نشده و ... توجه کرد! به دنبال انتشار این خبر، رسانه های همگانی گزارش دادند، در روز یکشنبه ۲۶ مهرماه سال جاری خورشیدی، جلسه فوق العاده گروه های دوم خرداد با حضور مسئولان بلند پایه احزاب و سازمان های این ائتلاف در دفتر مجمع روحانیون مبارز برگزار شد. طی این نشست محمدرضا خاتمی دبیر کل مشارکت، تهدید اصلی کنونی نظام را برنامه یکدست ساختن حاکمیت ارزیابی نمود و طرح اقدام در جهت شفاف کردن فضای سیاسی را بازگوساخت. پیشنهاد اصلی که مطابق اخبار منتشره با مخالفتی نیز روبرو نگردید، در این جلسه فوق العاده عبارت از این بود که، هریک از گروه های دوم خرداد نامزدهای اختصاصی خود را مطرح کنند، اما در صورت رد صلاحیت کاندیداهای حزبی بر سر کاندیداهای باقی مانده اجماع نمایند.

هنوز اخبار موثقی در این باره که ائتلاف دوم خرداد و بویژه جریان های مانند مشارکت و مجاهدین انقلاب اسلامی چه برنامه شفاف و مشخصی را ارایه کرده و مناسبات آنها بادیگر بخش های این ائتلاف در آستانه انتخابات ریاست جمهوری چه خواهد بود، انتشار نیافته و آنچه بیان گردیده جز کلی گویی های همیشگی چیز دیگری در بر ندارد.

هم اکنون برخلاف آنچه از سوی نیروهای درون و پیرامون حاکمیت عنوان می شود، مشکل معرفی کاندیدا نیست، بلکه به دلیل اوضاع بغرنج حاکم بر مین ما و خطرات جدی که از ناحیه حضور نظامی گسترده امپریالیسم در مجاورت مرزهای کشور وجود دارد، سرنوشت جنبش و چگونگی مقابله با توطئه ارتجاع اولویت انکارناپذیر صحنه سیاسی امروز ایران است! در این وضعیت حساس، محدود کردن همه مسایل به انتخاب افراد و اشخاص نمی تواند گرهی از مشکلات بی شمار و بسیار خطرناک گشوده و دورنمایی برای آینده فراهم آورد.

طی هفته های گذشته و پس از آنکه عدم حضور میرحسین موسوی علنی و رسمی شد، شاهد موضعگیری های گوناگونی از سوی برخی احزاب و شخصیت های طیف دوم خرداد هستیم. مصطفی تاج زاده از رهبران مجاهدین انقلاب اسلامی که عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت نیز هست، مطلبی را تحت عنوان ایدئولوژی انفعال به عنوان سرمقاله در روزنامه شرق به تاریخ ۲۱ مهرماه امسال انتشار داد. در این مطلب وی به عنوان یکی از چهره های اصلی اصلاح طلبان حکومتی به جریانات و نیروهایی که با کنکاش در رویدادهای سالیان اخیر به این حقیقت رسیده اند که مشکل کنونی در ساختار رژیم است، به این معنا که ولایت فقیه مانع اصلی راه تکامل جامعه ایران می باشد، حمله کرده و آنان را به انفعال و بی عملی و ردیکالیسم متهم ساخته است.

تاج زاده از جمله نوشت: ... عزلت گزینی عده ای که به اصلاحات دل بسته و احیاناً در سال های اخیر فعال بودند اگرچه ناخوشایند است، اما غیر طبیعی نیست. آنچه غیر طبیعی و تامل برانگیز می نماید آن است که برای اولین بار بی عملی سیاسی در قالبی آرمانی و ایدئولوژیک توجیه می شود ... وی سپس افزوده است: در دوره کنونی که سیاست ورزی از مفهوم رادیکالیسم گذشته و فاصله گرفته و مفهومی نزدیک به اصلاح ورزی یافته است، جریان مذکور ناآگاهانه در جهت مقاصد اصلاح ستیزان زمانه حرکت می کند ... در پنهان و گاه آشکار درباره ضرورت تغییرات بنیادی در ساخت حقوقی و سیاسی ... سخن می گوید.

آقای تاج زاده قبلاً نیز در جریان جلسه ای تحت عنوان انتخابات ریاست جمهوری، مسایل و چشم اندازها که در اواسط شهریورماه امسال در دفتر مرکزی جبهه مشارکت برگزار شده بود، لبه تیز حملات خود را متوجه جنبش دانشجویی نمود و از اینکه دانشجویان در حال فاصله گرفتن از نیروهای دوم خردادی هستند شعارهای تند سر می دهند، به شدت انتقاد کرده و آنها را انفعال طلب نامیده بود وی گفته بود: جنبش دانشجویی تحت شعارهای رادیکال عملاً منفعل شده است ... تلاش برای حضور در عرصه سیاسی ایران منوط به تلاش برای حضور در قدرت

است.

علاوه بر این در جریان نشست که خبرگزاری ایرنا چندی پیش برگزار نمود، محمد رضاخاتمی و محسن میردامادی مواضعی را بازگو کردند که همانند تاج زاده دفاع از ساختار کنونی و تلاش عبث برای اصلاح آن می باشد. محسن میردامادی در این نشست از جمله یادآور گردید: «... اگر بابرخورد یا موانع - موانعی که در آن سال ها پیش آمده نتیجه بگیریم که مشکل ساختاری وجود دارد، حاصل آن انفعال و کنار کشیدن خواهد بود ولی باید فعال حضور داشت و دچار انفعال نشد ... ساختار بی نقص نیست ولی باید بپذیریم که در همین چارچوب کار کرده و در مسیر نواقص را برطرف کنیم ... یاس بخش هایی از جامعه و نسل جوان کشور را بیشتر به سمت اصلاح ساختاری سوق داد. وی سپس با اشاره به انتخابات فرمایشی مجلس هفتم متذکر شد، این انتخابات را نمی توان مینا قرارداد و گفت که ساختار کشش ندارد... شعار اصلاح ساختار یک شعار انحرافی است و تقابل ها در جامعه را تشدید می کند و بسود حرکت اصلاحی نیست ... راهکار اصلاح ساختار نیز در خود ساختار و قانون اساسی پیش بینی شده و ما ساختار را قابل اصلاح می دانیم. محمد رضا خاتمی نیز در این نشست وعده داد، در این چند ماه می توانیم شرایط را تا حدودی تغییر دهیم، معتقدیم اگر کسی باشد که معتقد به اصلاحات باشد و این روند را پیش ببرد جدا از اینکه حزبی باشد یا نباشد، ما می توانیم از او حمایت کنیم ...»

به این ترتیب می توان در آستانه موضعگیری هایی را شاهد بود که نشانگر آنست، این نیروها از تجربیات چند سال گذشته درس های لازم را کسب نکرده و کماکان در انتظار معجزه از ساختار پوسیده ولایت فقیه هستند. پرسش اینست که، آیا همین ساختار نبود که مانع آن گردید که اصلاح طلبان حکومتی حتی با اکثریتی که در مجلس ششم داشتند، گامی در راستای آنچه به عنوان قانون گرایی و آزادی های دموکراتیک طرح کرده بودند، به پیش بردارند. انسداد سیاسی به بیان خود ایشان و عقب گرد دردناکی که هم اکنون شاهد آن می باشیم، ناشی از چه عاملی بود و اگر مشکل ساختار یعنی اصل ولایت فقیه نیست پس چه چیز می تواند باشد؟!

تحول مثبت و امیدوار کننده ای که علیرغم شرایط نامساعد در میان بخش وسیعی از جوانان و دانشجویان و نیز زحمتکشان و زنان پدید آمده، گرچه کند و در اول راه است، به هیچ رو انفعال و انحراف نیست. تغییر ساختار به معنی طرد و نفی استبداد که امروز در لباس ولایت فقیه سد راه هرگونه تحول قلمداد می شود، یک شعار انحرافی و غیرواقع بینانه نیست و نه تنها نیست، بلکه نیاز مبرم و هدف اصلی و آماج اساسی جنبش مردمی است. در این راه می توان و باید از همه اشکال و امکانات موجود با ظرافت و ماهرانه بهره گرفت و گردانهای مختلف جنبش را سازمان دهی و تجهیز کرد.

تکرار سیاستهای در عمل شکست خورده طی سالیان اخیر به همراه وعده های بی پشتوانه هرگز نمی تواند مردم را به صحنه آورده و برای مقابله با ارتجاع بسیج کند. جنبش نیازمند سیاستهای اصولی، واقع بینانه و موثر در راستای تامین منافع توده های وسیع مردم است. توده های مردم میهن ما با شم سیاسی و آگاهی درخور تحسین که بویژه در چند سال اخیر به دست آورده اند، برای تقابل با ارتجاع آمادگی دارند. این نیروهای سیاسی هستند که باید این نیروی پرتوان را سازمان داده و به میدان مبارزه جلب کنند.

کوتاه سخن: تحولات در آرایش سیاسی کشور، تا به امروز حکایت از این حقیقت تلخ دارد که اصلاح طلبان حکومتی بیمناک و بی اعتقاد به مردم و ناتوان از تاثیر گذاری قابل قبول در ساختار حاکمیت، سرگردان و مایوس به حرکت در مسیر بن بست ادامه می دهند!

## ادامه مبارزه متحد طبقه کارگر ...

آنها، برای قبضه کامل قدرت می باشد.

به فاصله اندکی پس از انتشار گزارش نوبتی صندوق بین المللی پول که در آن جمهوری اسلامی به پیگیری بیشتر در راه اجرای برنامه اصلاح ساختار اقتصادی فراخوانده شده و اقدامات انجام پذیرفته نظیر خصوصی سازی و تامین امنیت سرمایه به بهای پایمال شدن امنیت شغلی زحمتکشان مورد تایید و تشویق قرار گرفته است؛ اتاق بازرگانی و صنایع و معادن که از آن به درستی به عنوان لانه ارتجاع و سرمایه داری تجاری و دلال ایران نام برده می شود، نامه ای مفصل که در آن لحن تهاجمی و گستاخانه به خوبی آشکار است، خطاب به خالقی وزیر کار و امور اجتماعی انتشار داد و قاطعانه خواستار اصلاح و تغییر قانون کار بسود سرمایه داران و دلالان و به زیان کارگران و زحمتکشان گردید. در این نامه در مقدمه آمده است: همانطور که استحضار دارید، عامل کار و نظام روابط کار در هر جامعه ای بر کل نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حال و آینده آن جامعه تاثیر گذار است... و با توجه به نقش آن در رشد و شکوفایی و تکامل و توسعه اقتصادی- صنعتی کشور بطور تطبیقی و رقابتی در مقیاس جهانی، کل حیات و بقاء و تکامل جامعه را جهت می بخشد. سپس در همین نامه از اتاق مذکور به عنوان دیرپاترین تشکل کارفرمایی نام برده شده، اضافه می گردد: اتاق معتقد است، قوانین، به ویژه قانون کار محصول ساختار اجتماعی و سیاسی و فرهنگ رایج جامعه است و هنگامی که در ساختارهای اقتصادی- اجتماعی جامعه تغییر و تحول رخ می دهد، قانون کار نیز باید تغییر یابد... با عنایت به نتایج غیرمولد حاصل قانون کار در وضعیت فعلی و ضرورت واقع نگری در مورد تغییرات اقتصادی- اجتماعی کشور در شرایط جدید که عرصه های نوینی را برای حضور و فعالیت بخش خصوصی در اقتصاد فراهم ساخته، ضروریست اولاً کمبودها، نارسایی ها و تضاد قانون کار فعلی... مورد توجه جدی و فوری و راه حل قرار گیرد. ثانیاً با جلب همکاری و تعامل همه افراد، مراکز و تشکل های ذی نفع در تعریف اهداف و تنظیم روابط کار در کشور، مشابه کشورهای تازه صنعتی شده و رقیب در مقیاس جهانی، برای تدوین قانون جدید اقدام شود. در ادامه به زعم اتاق بازرگانی و صنایع و معادن یعنی تشکل تحت نفوذ سرمایه داری دلال و غیر مولد ایران، مشکلات و نارسایی های قانون کار فعلی در ۵ بخش به شرح زیر جمع بندی شده است:

۱. گسترده و شمول شامل- الف- از نظر نوع کار و ب- از نظر اندازه و تعداد کارگران؛
  ۲. عدم امکان اعمال مدیریت و یا محدود کرده آن؛
  ۳. الزامات یک سویه برای کارفرمایان؛
  ۴. تشکل های کارگری؛
  ۵. لزوم توجه به نقش ارشادی و بستر سازی دولت؛
- در توضیح هریک از این ۵ مورد، نمایندگان متشکل سرمایه داران در نامه خود اشارات متعددی به وضعیت کنونی اقتصاد کشور و شرایط حاکم بر جامعه و محیط های کارگری می کنند. بطور مثال در قسمت اول گسترده و شمول با صراحت از اینکه قانون کار کلید واحدها در تمام سطوح را دربر می گیرد، اعتراض می کنند و خواستار حذف کامل قانون کار و عدم نظارت در بیشتر عرصه های

تولیدی- خدماتی هستند. برای آنها، مصوبات مجلس ششم در خصوص خروج کارگاه های ۵ نفر و ۱۰ نفر از شمول قانون کار کافی نیست و خواستار تعمیق آن هستند. در بخش دوم عدم امکان اعمال مدیریت و یا محدود کردن آن، بالحنی تحکم آمیز از مواد ۱۲، ۱۴، ۲۱، ۲۵، ۲۶ و ۲۷ انتقاد کرده و یادآور می شوند، قانون کار فعلی فضایی را پدید آورده که دست کارفرما کاملاً باز نیست! از جمله ماده ۲۷ را مورد حمله قرار می دهند زیرا که امکان فسخ قرارداد کار فقط توسط کارفرما را محدود نموده و کارفرمایان دچار مشکل هستند. در نامه قید شده است که کارفرمایان باید بتوانند به راحتی هر قراردادی را بطور یکجانبه فسخ کنند و قانون نیز از آنها پشتیبانی کند!

در بخش سوم با گستاخی تمام متذکر می شوند که، بررسی مفاد قانون کار نشان می دهد که اکثر مواد قانون مذکور، الزامات و وظایفی برای کارفرمایان پیش بینی کرده ولی کمترین وظیفه ای برای کارگران در نظر گرفته نشده است و بنابراین کارگران و وظیفه و تکلیفی در محل کار برای خود قایل نیستند. در دو قسمت ۴ و ۵ نیز با صراحت خاطر نشان می شود که تشکل های کارگری حتی نوع زرد و واپس مانده آن که در کنترل رژیم هستند نیز حق دخالت در امور داخلی واحدهای صنعتی- خدماتی را نداشته باشند و دولت موظف است نقش واسطه و حامی تشکل های کارفرمایان را به خود بگیرد. در ارتباط با این نامه باید گفت، این حرکت سرآغاز یک رشته اقدامات سرمایه داران بویژه دلالان و تجار برای تحکیم و تثبیت موقعیت و منافع آنهاست. این نامه با پشت گرمی مجلس هفتم نگاشته و انتشار یافته است و نشان می دهد، تاریخ اندیشان واپس گرا در صدد نابودی کامل همه دستاوردهای تاریخی طبقه کارگر ایران هستند و برای این هدف زمان را مناسب ارزیابی کرده و کلیه امکانات خود را بکار گرفته اند. و از همه مهمتر اینکه، این نامه و اقدامات مرتبط با آن بخشی از برنامه سازمان یافته ارتجاع برای قبضه کامل قدرت بویژه در آستانه انتخابات ریاست جمهوری آینده است.

انتشار نامه و همزمانی آن با استیضاح وزیر راه و مصوبه مجلس در ارتباط با دوقرارداد، فرودگاه نو بنیاد تهران (فرودگاهی که نام خمینی بر آن نهاده اند) و طرح توسعه فاز دوم پروژه تلفن همراه یعنی دو قرارداد تاو و ترک سل، در کنار دستگیری و سرکوب شدید نویسندگان از طرح بازداشت دوعضو کانون نویسندگان و زندانی کردن چند روزنامه نگار به هیچ رو تصادفی و اتفاقی نیست. به این موارد باید مصوبات اخیر مجمع تشخیص مصلحت نظام به ریاست هاشمی رفسنجانی را بیفزاییم. مجمع تشخیص در اقدامی کاملاً حساب شده طی دو جلسه اخیر خود اصلاحات گسترده ای در اصل ۴۴ قانون اساسی پدید آورد. بنا به گزارش رسانه های همگانی مجمع تشخیص از ابتدای مهرماه سال جاری قرائت نوینی از اصل ۴۴ به نفع بخش خصوصی ارایه کرد.

روزنامه دنیای اقتصاد به تاریخ ۱۲ مهرماه در این باره نوشت: تصویب قرائت جدید از اصل ۴۴ به نفع بخش خصوصی.

در این قرائت ورود بخش خصوصی به بخشهایی از اقتصاد کشور که مشمول اصل ۴۴ قانون اساسی هستند. مجاز اعلام گردیده، این بخش ها عبارتند از سرمایه گذاری، مالکیت و مدیریت در صنایع کلیدی و مادر از جمله صنایع بزرگ پایین دستی نفت و گاز بویژه حفاری نفت و پتروشیمی، فعالیت در عرصه بازرگانی خارجی، بانکداری و بیمه، سدها و شبکه های آب رسانی و برق رسانی، امور مربوط به پست و مخابرات، راه آهن، کشتی رانی و هواپیمایی. محسن رضایی که این روزها سخت در





## پنجاه سال از اعدام نخستین گروه افسران حزب توده ایران گذشت

«درد و رنج نازیانه چند روزی بیش نیست  
رازدار خلق اگر باشی همیشه زنده‌ای»

روز ۲۷ مهرماه امسال، مصادف است با پنجاهمین سالگشت، تیرباران اولین گروه از افسران سازمان نظامی حزب توده ایران. در سحرگاه ۲۷ مهرماه سال ۱۳۳۳، رژیم جنایتکار شاه در ادامه سیاست سرکوب خونین جهت استقرار مجدد پایه‌های دیکتاتوری خود که در سایه کودتای ننگین و «سیا» ساخته ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، تحقق پذیرفته بود، به انتقام جویی از خلق و نیروهای انقلابی و میهن پرست دست زد. در چنین روزی قلب تپنده و پرمهر ۱۰ انقلابی توده‌ای هدف گلوله‌های دژخیمان و سرسپردگان تبهکار قرار گرفت. این گونه بود که نخستین دسته از افسران توده‌ای، متشکل از ۹ افسر نظامی و یک غیر نظامی به خاطر آرمان‌های انسانی خود که همانا دستیابی به آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی برای مردم و میهن بود، دلاورانه در میدان تیر جان باختند.

درباره کشتار افسران توده‌ای پس از کودتای ۲۸ مرداد مطلب زیاد نوشته شده است. دستگاه تبلیغاتی رژیم کودتا برای سال‌ها تلاش می‌کرد تا این دلاوران بی باک خلق را خائنین به وطن و «وابسته به اجنبی» معرفی کند ولی با وجود تلاش‌های زیاد، در این امر ناموفق ماند و خورشید حقیقت در پس ابرهای دروغ و تزویر پنهان نماند. دلیل اعدام افسران توده‌ای روشن است. رژیم کودتا از نفوذ عمیق اندیشه‌های حزب توده ایران در میان مردم و خصوصاً در صفوف افسران وطن دوست به شدت در هراس بود. حزب توده ایران توانسته بود در مدت زمان کوتاهی تأثیری شگرف بر افسران و سربازان ارتش برجای بگذارد. فعالیت‌های گسترده حزب در صفوف ارتش، پس از سقوط حکومت رضا شاه، که می‌توان تبلور آن را در جریان قیام افسران خراسان در سال ۱۳۲۴ و سپس واقعه ۳۰ تیرماه که شماری از ارتشیان و نیروهای زرهی به مردم پیوستند، مشاهده کرد، نگرانی‌های جدی ارتجاع را برانگیخته بود. کودتاچیان با اطلاع از نفوذ عمیق حزب در میان نسل جوان و ارتشیان و مشکلاتی که این نفوذ می‌تواند بر سر راه نقشه‌های پلید آنان ایجاد کند، مترصد بودند با سرکوب خشن حزب و سازمان افسری آن امکان مقابله با کودتا را از بین ببرند. نفوذ حزب توده ایران در دانشجوی افسری زبان زد همگان بود. بسیاری از رفقای توده‌ای نقش برجسته‌ای در پاشیدن بذر آگاهی در میان دانشجویان ایفاء کردند. برای روشن شدن هراس کودتاچیان از تأثیر حزب توده ایران بر نسل جوان آن روز، چه دانشجوی افسری و چه دانشجوی عادی، کافی است به این نقل قول منوچهر اقبال (وزیر فرهنگ وقت) توجه کنیم: «پس از مدتی تمام مدارس از دیستان گرفته تا دانشگاه زیر نفوذ توده‌ای‌ها قرار گرفت و توده‌ای‌ها جوانان بی تجربه را از راه بدر بردند. کار حزب توده به جایی کشیده بود که از جیب و کیف محصلین به جای جزوه درس برنامه حزب و مطبوعات ممنوعه بیرون می‌آمد...» (روزنامه اطلاعات، شماره ۶۹۱۷ - اردیبهشت ماه ۱۳۲۸).

رژیم کودتا برای گستراندن جو رعب و وحشت ۷۱ افسر را به اعدام، ۱۹۲

نفر را محکوم به حبس ابد، ۱۲۹ نفر را محکوم به ۱۵ سال زندان و صدها تن دیگر را به حبس‌های ۱۰ تا ۲ سال محکوم کرد. ولی بانگ اعتراض جهانی و همبستگی نیروهای ترقی خواه مانع از آن شد که رژیم همه احکام اعدام را به اجرا بگذارد. تکرار همین سناریوی جنایتکارانه توسط سران رژیم ولایت فقیه، پس از یورش به حزب توده ایران در سال ۱۳۶۱ و سپس محاکمه و اعدام افسران دلاور توده‌ای نشانگر ماهیت یکسان ارتجاع چه از نوع شاهنشاهی و چه نوع ولایتی آن است.

تیرباران نخستین گروه افسران دلاور توده‌ای در واقع آغاز موجی از کشتار توده‌ای‌ها توسط رژیم کودتا و به مثابه استقرار دور جدیدی از استبداد آن هم به شکل دیکتاتوری خشن و کاملاً وابسته بود. افرادی که در اولین گروه به چوبه دار بسته شدند و به شهیدان راه آزادی میهن پیوستند، عبارت بودند از رفقا: سرهنگ عزت‌الله سیامک، سرهنگ محمدعلی میشری، مهندس مرتضی کیوان (شاعر و روزنامه‌نگار انقلابی)، ستوان یکم عباس افراخته، سروان شهربانی نظام‌الدین مدنی، سروان محمدعلی واعظ‌قائمی، ستوان نعمت عزیزی نمین، سرگرد هوشنگ وزیریان، سرگرد نصراله عطارد و سروان نورالله شفا. این سرودخوانان آزادی با دلاوری ویژه خویش لحظاتی قبل از اجرای فرمان آتش، با سر دادن شعار «زنده باد حزب توده ایران» و «زنده باد ایران» ... سکوت خفقانی خونین میدان تیر را شکستند و

**پنجاه سال از اعدام نخستین گروه افسران ...**

نقاب ننگین استبداد خود فروخته و مزدور را دریدند.

دستگاه تبلیغاتی رژیم ستم شاهی بسی تلاش کرد که یاد و اثری از فداکاری و دلاوری این قهرمانان به ویژه هنگام تیرباران در یادها باقی نماند ولی عکس‌هایی که از لحظات اعدام به جا مانده و هم چنین وصیت‌نامه‌های کوتاه، خاطره‌ها و یاد نوشته‌هایی که به بیرون از زندان راه پیدا کردند، نشان از پابندی و ایمان این رفقا به میهن، حزب خود و راهی که می‌رفتند، دارد. رفیق سرهنگ سیامک یک روز پیش از اعدام، در ملاقاتی که افسران با خانواده‌های خود برای وداع داشتند، برای دل‌داری به بستگان خود گفت: «آدم وقتی قرار است بمیرد، چرا خوب و باشکوه نمیرد؟» و زمان جدایی مشت خود را گره کرد و با صدای رسا گفت: «ما رفتیم، شما زنده باشید و خوب زندگی کنید.» پیش از این رفیق سیامک در بیدادگاه نظامی شاه خطاب به نظامیان درباری و وابسته که بر مسند قضاوت نشسته بودند، در ارتباط با «اتهام جاسوسی» با زبانی طنز آلو و به استهزا چنین عنوان کرده بود: «این را شما درست می‌گویید آقای دادستان، من خیانتکارم. زیرا من هر روز صبح گزارش کار اداره سررشته‌داری را به یک مامور بیگانه می‌دادم. بله، درست است. اما برخلاف تصور شما این مامور روس نبود، او یک مستشار و جاسوس آمریکایی بود که من به دستور اربابان شما مجبور بودم هر روز گزارش کارها را به او بدهم.»

سرهنگ سیامک روحیه‌ای قوی و عزمی راسخ داشت و در کنار یاران خود در لحظه اعدام هم‌صدا با آنان با شعار «زنده باد حزب توده ایران» تن به گلوله‌های آتش دشمن سپرد و برگی از تاریخ خونین حزب ما را رقم زد.

رفیق مبشری در آستان مرگ به همسر و یار زندگی‌اش چنین می‌نویسد: «من جز سعادت و خوشبختی ملت عزیز ایران هیچ سودا و آرزویی در سر نداشتم و در این راه کشته می‌شوم. این مرگ، مرگ شرافتمندانه است...»

مرتضی کیوان شاعر و انقلابی بزرگ، تنها غیرنظامی گروه محکوم به اعدام بود و با سری افراشته تمام مراحل شکنجه در زندان را قهرمانانه طی کرده بود. یک زندانی سیاسی که او را در زندان دیده بود، چنین نقل می‌کند: او در زندان مثل سنگ خارا ایستاد و حلاج‌وار همه شکنجه‌ها را تحمل کرد... رفیق مرتضی کیوان روزنامه‌نگاری برجسته، اندیشمند و دارای شم سیاسی قوی بود. وی در آستانه اعدام خود و یارانش به هم‌بندانش چنین گفته بود: «در بیرون خبرهایی هست. لایحه نفت باید به تصویب برسد. این لایحه قربانی‌هایی دارد. من هیچ از مرگ قریب‌الوقوع خود متاسف نیستم. زندگی ما در برابر آزادی و استقلال میهن عزیز ما هیچ ارزشی ندارد...»

رفیق عباس افراخته، این افسر فروتن و دوست‌داشتنی، در وصیت‌نامه خود شب پیش از اعدام به خانواده‌اش توصیه می‌کند که به فرزندان او راه واقعی توده‌ها یعنی ادامه راه پدر را بیاموزند. هم‌رزم او نظام‌الدین مدنی در نامه‌ای به همسرش چنین می‌نویسد: «دوست دارم، بچه‌های عزیزم پس از این که بزرگ شدند بدانند که پدرشان شرافتمند بود و شرافتمندانه از دنیا رفت. همان‌طور که ناظر بودی از طرف من به احدی اجحاف نشد و همه مرا دوست داشتند...»

و رفیق واعظ‌قائمی در یکی از آخرین نامه‌هایش چنین نوشته است:

«مرا به جرم حقیقت و پاکدامنی و بیگناه به قتل می‌رسانند... من در راه حق و حقیقت شهید می‌شوم. حتی در آخرین مرحله زندگی هم مرا از دیدار تو و نورچشمانم محروم کردند. پاکدامنی و صداقت و خدمت بود که شما را تهی دست نمود. چنین است پادشاه هیئت حاکمه به درستی و راستی...» رفیق سرگرد دکتر هوشنگ وزیریان با روحیه بسیار قوی حتی در لحظه اعدام به جوخه آتش فرمان می‌داد و چنین درخواست کرد: «چشمانم را نیندید! می‌خواهم در دم مرگ لـرزش دست‌های شما را ببینم!»

در این جا سخن از پنجاهمین سال گرد به شهادت رساندن اولین گروه از افسران توده‌ای است، زیرا می‌دانیم که رژیم دست نشانده شاه، خشمگین از مبارزه



رفیق سیامک



رفیق کیوان



رفیق عزیزی نمین



رفیق افراخته



رفیق مبشری



رفیق مدنی



رفیق واعظ قائمی



رفیق وزیریان



رفیق شفا



رفیق عطارد

مردم در جریان جنبش ملی شدن صنعت نفت و برای انتقام‌جویی از خلق که مدتی پیش او و نزدیکانش را زبونانه وادار به فرار کرده بود، و هم‌چنین برای خاموش کردن هرگونه صدای مخالفی به موجی از کشتار دست زد و در فاصله‌ای کمتر از یک سال پس از کودتای خائنانه و سرکوب جنبش، بسیاری از افسران مهین پرست و مبارز عضو حزب توده ایران را به جوخه‌های اعدام سپرد. بدین ترتیب علاوه بر اعدام ده تن در گروه اول در ۲۷ مهرماه، به فاصله کوتاهی سه دسته دیگر از افسران توده‌ای قربانی کودتای ۲۸ مرداد و حامیان آن شدند.

گروه دوم افسران حزب توده ایران در سحرگاه روز ۸ آبان ۱۳۳۳



## پنجاه سال از اعدام نخستین گروه افسران ...

تیرباران شدند. اسامی این سرداران راه آزادی عبارت است از: رفقا سرگرد محمدرضا بهنیا، سروان مصطفی بیاتی، سروان حسین کلالی، سروان منصور کلهر، سرگرد غلامحسین محبی و سروان احمد مهدیان.

دو هفته بعد در ۱۷ آبان ۱۳۳۳، پیکرهای گروه سوم از قهرمانان توده‌ای به گلوله بسته شد. در این دسته این افراد به شهادت رسیدند: رفقا سرگرد جعفر و کیلی، سرهنگ کاظم جمشیدی، سرهنگ امیر افشار بکشلو، سرهنگ محمد جلالی و محمداقبر واله.

و بالاخره در ۲۶ مرداد ۱۳۳۴، گروه چهارم از افسران توده‌ای با سرود آزادی پر لب، به خون غلتیدند. اسامی این سرداران آزادی‌های والای انسانی چنین است: رفقای شهید سرگرد رحیم بهزاد، سرگرد ارسطو سروشیان، سروان اسماعیل محقق‌زاده، ستوان حسین مرزوان، ستوان منوچهر مختاری و ستوان اسداله نصیری.

و این چنین در جریان اعدام چهار گروه از افسران پیکارگر، در مجموع ۲۷ مبارز انقلابی به شهادت رسیدند. البته باید بر این نکته انگشت گذاشت که رژیم کودتا و اربابان آن خواهان اعدام شمار بیشتری از زندانیان سیاسی و به‌ویژه افسران نظامی بودند. ولی امواج اعتراضات و مخالفت‌ها در ایران و جهان در دفاع از محکومین و زندانیان سیاسی باعث رسوایی و عقب نشینی رژیم دست‌نشانده پهلوی شد. در غیر این صورت گروه‌های بیشتری به جوخه‌های اعدام سپرده می‌شدند. آری افشاگری و همبستگی افکار بین‌المللی در محکوم ساختن اقدامات سرکوب‌گرانه حکومت مزدور و خود فروخته، مانع اعدام دیگر نظامیان و انقلابیون در بند شد.

علاوه بر اعدام گروهی افسران، شمار دیگری از توده‌ای‌های در بند رژیم جنایت‌کار، در زیر شکنجه به شهادت رسیدند. از آن میان از جمله می‌توان به رفقای شهید: ستوان دکتر حسن منزوی، ابوالفضل فرهمی (عضو مشاور کمیته مرکزی حزب)، ابراهیم کیانی، حسن حریری، خورن قاراخانیان و دیگران اشاره کرد، که اکنون پنجاه سال از شهادت آنان نیز می‌گذرد.

هدف از تعقیب، پیگرد نیروهای مبارز و درنهایت اعدام این افسران قهرمان توده‌ای نتیجه مستقیم سیاست ضد ملی و خائنانه کودتاگران بوده است. در این میان مساله سرکوب، حذف و نابودی کامل حزب توده ایران به عنوان یکی از هدف‌های اصلی رژیم شاه و اربابان خارجی‌اش به شمار می‌آمد. اکنون با انتشار اسناد گوناگون از جانب سازمان‌ها و دولت‌های مختلف از جمله اسنادی که توسط دوایر مختلف آمریکا و انگلیس منتشر شده‌اند، و طی سالیان دراز جزو اسناد محرمانه و کاملاً سری بودند. دیگر جای تردید نیست که موضوع نابودی و سرکوب کامل حزب توده ایران حتی به قیمت ریختن خون هزاران نفر در دستور کار کودتاچیان و مشاوران امنیتی آن‌ها بوده است. و درست به همین خاطر باید مساله اعدام گروه‌های متعدد از افسران توده‌ای را آن هم پس از پیروزی کودتا و قلع و قمع مطبوعات و مخالفین دانست. در این باره اسناد و گفته‌های عناصر اصلی و طراحان کودتا به اندازه کافی گویا است. از میان انبوهی از مدارک در این جا به چند مورد اشاره می‌شود.

آنتونی آیدن، از طراحان اصلی کودتا در کتاب خاطرات خود چنین می‌نویسد: «بر من مسلم شده بود که مصدق هر قدر بیشتر بر اریکه قدرت باقی بماند، حزب کمونیست [بخوان حزب توده ایران]

در ایران قوی‌تر و نیرومندتر خواهد شد. منافع ما ایجاب می‌کرد که به مصدق امان ندهیم و او را آسوده نگذاریم...» انتشار گزارش محرمانه‌ای از «سراف. شپرد» فرستاده ویژه انگلیس به تهران به وزارت خارجه کشور مطبوع‌اش به تاریخ ۲۶ ژانویه ۱۹۵۲ که پس از گذشت چند دهه از رده «طبقه‌بندی محرمانه» خارج گشته، به اندازه کافی افشاگر است. وی ضمن گزارش بلندی از جمله می‌نویسد: «... اشتباه بزرگی است اگر فکر کنیم مصدق گام‌های جدی‌تری در تهدید نفوذ حزب توده برخواهد داشت و یا اصولاً دست به سرکوب حزب توده خواهد زد. ما باید تصور کنیم حزب توده به فعالیت خود ادامه خواهد داد و بر نفوذ خود در مراکز صنعتی و سیاسی دولتی خواهد افزود... برای نجات ایران از خطر کمونیسم، تنها راه انجام یک کودتای ضد کمونیستی است که در پی آن یک رژیم قوی و قادر به سرکوب کردن روی کار آید و حاضر باشد فوراً اقدامات زیر را انجام دهد: ۱- سرکوب حزب توده ۲- انجام اصلاحات اداری -۳ برداشتن قدم‌های فوری در بهبود وضع مردم...»

در طول پنجاه سال گذشته، در رثای افسران شهید و دیگر سرداران جان باخته و برای زنده‌نگاه داشتن خاطره عزیز همه آن‌هایی که بعد از کودتای ۲۸ مرداد ناجوانمردانه به چوبه‌های اعدام بسته شدند، رمان‌ها، شعرها، آهنگ‌ها و آثار هنری فراوانی ساخته و پرداخته شده است. این همه گویای عهد و پیمان و خود گوشه‌هایی از آموزش انقلابی و پرورش نسل‌های بعدی بوده است. یاد و خاطره غرورانگیز این جان‌های شریف و پیکار جانانه و خستگی ناپذیر آنان همواره مایه درس آموزی برای مبارزه در راه ساختن جامعه‌ای بهتر و عادلانه است. این نام‌ها و سرنوشت‌های تابناک را باید پاس داشت. این جان‌های شایسته و فداکاری‌های والای آنان در کارزار آزادی و عدالت اجتماعی همواره نیرو بخشیده و نیرو می‌بخشد.

رژیم وابسته و ضد مردمی شاه به دست توانای خلق به زیاله‌دان تاریخ سپرده شد. دست‌نشانده‌گان و آمرین اصلی به ویژه نظامیان کودتاچی و خائنی هم‌چون ارتشبد زاهدی‌ها، سرهنگ زیبایی‌ها و تیمسار بختیارها و... که عامل مستقیم کودتای تبهکارانه بودند، و همان کسانی که حکم اعدام افسران توده‌ای را صادر و اجرا کردند، نیز اینک به دست فراموشی و یا در کتاب‌ها مورد لعن تاریخ قرار گرفته‌اند. ولی خاطره و یاد گران قدر افسران میهن پرست و انقلابی که هدفی جز خدمت به مردم و میهن خود نداشتند و به همین دلیل نیز جان باختند، هم‌چون شعله‌ای در خاطره‌ها می‌درخشد، و ایمان آن‌ها پرچم مبارزه مردم میهن ما است.

و این درواقع، تجلی همان حقیقتی است که شاعر شهید مرتضی کیوان آن را در شعری سروده بود و خود آن را با ناخن و هر وسیله‌ای که در زندان به دستش آمده، بر دیوار زندان، روی لیوان مسی و ته بشقاب‌های فلزی زندان حک کرده بود:

«درد و رنج تازیانه چند روزی بیش نیست

رازدار خلق اگر باشی همیشه زنده‌ای»

از آن سحرگاه خونین که قلب‌های این قهرمانان آماج پولاد گشت، پنجاه سال می‌گذرد. ولی مبارزه و پیکار آنان برای دستیابی به ایرانی آباد و آزاد و مستقل همچنان از جانب رهروان و ادامه دهندگان راه آنان ادامه دارد. و دلیران و سردارانی مانند، افضل‌ی‌ها، کبیری‌ها، آذرفرها، عطاریان‌ها پرچم آنان را به دوش کشیدند. ما توده‌ای‌ها با خوش‌بینی تاریخی بر این باوریم که دور نیست آن روز، که در سایه فداکاری مردم میهن ما با طرد ارتجاع و دیکتاتوری آن‌گونه که شایسته است از این راد مردان راه نجات میهن یاد خواهد شد.

## ادامه «اشتباه بزرگ خاتمی» ...

روبه کرده است. در روزهای اخیر نامه ای از سوی «آیت الله منتظری» در سایت اینترنتی «رهایی» انتشار یافته است که حاوی مواضع و نکات جالبی درباره روند اصلاحات و مواضع دولت خاتمی است. منتظری در این نامه در پاسخ به پرسش حسین واله «مدیر کل سیاسی نهاد ریاست جمهوری» در خصوص نامه خاتمی مسموم به نامه ای برای فردا از جمله می نویسد: «قصدها در رابطه با عملکرد آقای خاتمی و اصلاحات وعده داده شده ایشان فعلا اظهار نظر کنم ولی با توجه به ارسال نامه ایشان برای من، و انتظار و تمایل دفتر ایشان به اظهار نظر، به چند کلمه ای اشاره می کنم و آقایان توجه دارند که این جانب همواره در گفتار و نوشتار خود صریح اللهجه بوده ام. .. مردمی که سالهای تلخ جنگ تحمیلی را تحمل نموده ولی قشر عظیمی از آنان در اثر عملکرد مسئولین و متصدیان امور نسبت به وعده های داده شده در انقلاب به یأس و ناامیدی و یا با تردید و آشفتگی و احیانا به بد بینی نسبت به آینده رسیده بودند. در چنین فضائی آقای خاتمی با شعارهای بسیار زیبا و دلنشین و مطابق خواسته های مردم، وعده اصلاحات را - که جز وفا به شعارهای اولیه انقلاب نبود- به مردم اعلام نمود و مردم نیز بر همین اساس چنان اقبالی نمودند که برای همگان غیر منتظره بود. اکنون بعد از گذشت بیش از هفت سال از ریاست جمهوری ایشان متأسفانه دیده می شود یأس و ناامیدی و یا بد بینی مردم مجدداً به همان وضعیت زمان قبل و یا بدتر از آن رسیده است و نیز دیده می شود قشر عظیمی از نسل جوان احساس بی هویتی می کند و به آینده خود کاملاً بد بین می باشد. اینجانب نمی خواهم با بی انصافی بگویم جریان اصلاحات هیچ توفیقی به دست نیاورد، اما می خواهم بگویم آنچه به دست آمد، در مقابل آنچه وعده داده شده بود و امکان دسترسی به آن نیز فراهم شد و نیز در مقابل آنچه خواسته و انتظار مردم بود بسیار ناچیز بود.»

آیت الله منتظری سپس در نقد «نامه برای فردا» و مواضع خاتمی اضافه می کند: «آقای خاتمی در «نامه ای برای فردا» و نیز در بسیاری از سخنرانی ها و مصاحبه های خود سعی کرده اند علت یا علل این ناکامی را تشریح نمایند، ولی به نظر اینجانب بینات ایشان تاکنون قانع کننده نمی باشد.

ایشان در این رابطه چند محور مطرح می کنند و مورد تأکید قرار داده اند:

- ایشان فرهنگ استبداد زدگی ملت ما را مطرح می کنند و اینکه سالها وقت باید صرف شود تا این فرهنگ غلط از بین برود.

در وجود فرهنگ استبداد زدگی بحثی و اختلافی نیست، اما سخن این است که چرا ما در عمل، به این فرهنگ مشروعیت می دهیم؟ چرا در عمل تسلیم خواسته های متولیان این فرهنگ شدیم؟ و چرا به جای اینکه با توکل به خدای متعال و اعتماد به نفس تسلیم رضای خدا و خواسته های مردم شویم، در هر فرصتی که پیش آمد سرانجام راضی نمودن متولیان فرهنگ استبداد زدگی را ترجیح دادیم؟ بدیهی است در چنین فضائی استبداد به خود مشروعیت قانونی می دهد و به دنبال آن خواسته های ناشی از استبداد زدگی شکل قانونی به خود می گیرد و قهراً زور و خشونت نیز عملاً قانونی می گردد. انسان اگر فرضاً در برابر قدرتها توان مقاومت نداشته باشد انتظار می رود حداقل توجه گر و مجری مظالم و کارهای

خلاف آنان نباشد و یا با سکوت خود روی آنها صحنه نگذارد.

- ایشان در نامه اخیر خود و در جاهای دیگر گفته اند: «باید این پندار غلط را از ذهن خود بزدائیم که برای رهایی باید منتظر قهرمان بود». کسی نگفته است که مردم ما منتظر آمدن قهرمانی از غیب و رها نمودن آنان از وضعیت کنونی می باشند؛ بلکه بحث این است که مردم ما در جریان اصلاحات کار خود را به بهترین وجه انجام دادند و با آن همه تلاش و تبلیغات مسموم و انحرافی جناح مخالف اصلاحات، دومرتبه به صحنه آمدند و رأی چشم گیری دادند و در هر فرصتی که پیش می آمد از شعارهای اصلاحات و شخص ایشان پشتیبانی نمودند. آیا انتظار مردم از آقای خاتمی برای عمل به وعده های خود که مورد تأکید و تأیید آنان بود به معنای انتظار قهرمان شدن ایشان بود؟ مگر مردم چه کاری باید می کردند و نکردند؟

آقای خاتمی موانع سر راه اصلاحات - چه موانع به اصطلاح قانونی و یا غیر آنها را چه هنگامی برای مردم تشریح نمود و از آنان کمک خواست و مردم به ایشان پاسخ مثبت ندادند؟

منتظری در بخش دیگری از نامه و در خصوص اینکه خاتمی چگونه می بایست با تهاجم فزاینده مرتجعان حاکم برخورد کند اضافه می کند: «در شرائطی که جناح مخالف اصلاحات به کار شکنی و سنگ اندازی خود ادامه می داد، حداقل چیزی که مردم از آقای خاتمی انتظار داشتند این بود که صریحاً با مردم صحبت کند و عذر خود را به مردم بگوید و از مردم بخواهد عذر او را پذیرفته و آبرومندانه کنار رود. کنار رفتن آبرومندانه مستلزم و یا به معنای معارضه با حاکمیت نمی باشد، بلکه قطعی ترین پی آمد و اثر آن، حفظ حیثیت و جاذبه جریان اصلاحات و شخص ایشان بود، و قهراً ایشان می توانست در آینده منشأ تحول و تداوم راه اصلاحات باشد. اما در پیش گرفتن سیاست دو پهلو حرف زدن و در عمل، جناح اقتدارگرا را راضی نمودن و حقیقت را قربانی مصلحت کردن و عدالت را در موارد گوناگون و نسبت به افراد زیادی قربانی مظالم تحمیلی و ناخواسته نمودن، عاقبتی جز همین وضعیت که پیش آمده است ندارد.»

منتظری سپس به درستی در رد نظریاتی که شماری از اصلاح طلبان حکومتی در توجیه بی عملی خود می دادند و دلیل اتخاذ سیاست ها و مواضع شان را پرهیز از خشونت اعلام می کردند، می گوید: «ایشان می گوید: «زور و خشونت را نباید و نمی توان با زور و خشونت پاسخ داد.»

منتقدین سیاست های آقای خاتمی هیچگاه نگفته اند زور و خشونت طرف مخالف اصلاحات را باید با زور و خشونت پاسخ داد، بلکه می گویند: چرا عملاً با سیاست محافظه کاری و دو پهلو عمل کردن و حقایق را از مردم پنهان نمودن، به زور و خشونت اقتدارگرایان مشروعیت بخشیده شده و تحکیم گردید؟

کسانی به زور و خشونت متوسل می شوند که در بین مردم جایگاه و خواستگاهی ندارند، اما جریان اصلاحات که در آغاز دارای پشتوانه قوی مردمی بود چه نیازی به توسل به زور و خشونت داشت؟ مردم سالاری وقتی از شعار به عمل می رسد که مردم کاملاً در جریان کارشکنی های مخالفین اصلاحات قرار گیرند. طبیعی است هنگامی که آقای خاتمی سیاست محافظه کاری و ملاحظه بیش از اندازه رقبای اصلاحات را پیش می گیرد، مردم به تدریج از شخص و جریان وابسته به ایشان و نیز از اصلاحات مأیوس و ناامید می شوند، که نمونه آن را

## ادامه «اشتباه بزرگ خاتمی»....

در انتخابات شوراها و در جریان رد صلاحیت ها و تحصن تعدادی از نمایندگان مجلس دیدیم.»  
 آقای منتظری در انتهای نامه خود با روشنی و صراحت از خاتمی و سیاست های او انتقاد کرده و می نویسد: «اشتباه بزرگ ایشان این بود که از همان روزهای اول ریاست جمهوری و تعیین اعضای کابینه که جناح اقتدارگرا در ضعف کامل و حتی شوک غیر منتظره بود- به جای اتخاذ سیاست متکی به خود و انتخاب افرادی که خود تشخیص می داد، با داشتن سرمایه عظیم رأی مردم، افراد و سیاست های تحمیل شده را قبول نمود و کسانی را که به کمتر از نابودی او راضی نبودند حیات سیاسی دوباره بخشید و به آنان مشروعیت داد، و در این رابطه بسیاری از علاقه مندان و همفکران خود را از دست داد. همین اشتباه کلیدی ایشان سرآغاز انحراف در مسیر اصلاحات بود، و همه دیدیم که متعاقب آن، آقای خاتمی مجبور شد در هر مورد رضایت آنان را جلب کند و بدون گرفتن امتیازی پیوسته به آنان امتیاز داد تا رسید به وضعیت کنونی که متأسفانه دولت او تقریباً در مسائل اساسی کشور در حاشیه قرار گرفته و تصمیم گیریهای اصولی کشور در جای دیگر توسط همان جناحی انجام می شود که ایشان مرتباً به آنان امتیاز می داد، و با اینحال نمی دانم چرا ایشان همین حقیقت را صریحاً به مردم نمی گوید؟»

نامه آیت الله منتظری بیان روشن نظراتی است که اکنون مدتهاست از سوی شماری از نیروهای دگراندیش، ملی و دموکراتیک مطرح شده و مورد تأکید قرار می گیرد. جسارت در بیان نظرات و روشن بینی سیاسی که در این نامه به چشم می خورد بی شک روند مثبتی است که باید امیدوار بود به صفوف سایر نیروهای جبهه دوم خرداد رسوخ کند و تأثیر گذار باشد.

ادامه سیاست های گذشته بدون نقد واقع گرایانه سیاست های مخربی که در هشت سال گذشته از سوی اصلاح طلبان حکومتی اتخاذ شده است نتیجه ای جز آشفتگی صفوف که ما امروز شاهد آن هستیم و تشدید اختلافات و چند دستگی ها در میان اصلاح طلبان حکومتی به همراه نخواهد داشت. آیا زمان آن فرا نرسیده است که این نیروها با قاطعیت و روشنی مسایل را با مردم در میان بگذارند، صفوف خود را به روشنی از صف ارتجاع جدا سازند و از مردم برای مقابله با بختک تاریک اندیشی و استبداد حاکم یاری بطلبند؟

## ادامه مبارزه متحد طبقه کارگر....

تکاپوست، در اواخر شهریورماه در ارتباط با اوضاع اقتصادی کشور و چگونگی شتاب بخشیدن به خصوصی سازی و تامین امنیت سرمایه در مصاحبه ای به تاریخ ۲۹ شهریور ماه با روزنامه دنیای اقتصاد تأکید کرده بود: بحث های اقتصادی مجمع تشخیص مصلحت تا پایان امسال به نتیجه می رسد؛ در رابطه با این اقدام ضمن آنکه منافع صنفی-رفاهی کارگران و زحمتکشان را نشانه گرفته و گام بلندی در راه نابودی امنیت شغلی زحمتکشان به شمار می آید، در عین حال حرکتی است که مجموعه جنبش مردمی و توان و امکانات آن را هدف می گیرد. لذا طبقه کارگر راهی جز تشدید مبارزه بر ضد استبداد و پیوند هرچه بهتر و نزدیکتر با دیگر گردان های جنبش مردمی و گرد آوردن طیف گسترده مزدبگیران و جلب حمایت قشرهای میانه حال با شکیبایی و هوشیاری و تجهیز آنها به شعارهای واقع

بینانه و منطبق با شرایط کنونی، نداشته و ندارد.

علاوه بر این، ژرفا و گستردگی یورش ارتجاع به جنبش مردمی و پیشاپیش همه طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان، وظیفه ای خطیر بردوش همه نیروهای مترقی و آزادیخواه بویژه مدافعان راستین حقوق زحمتکشان قرار می دهد. در لحظه کنونی و در صحنه سیاسی میهن ما، امروزه یگانه سلاح کارآمد، تشکیل جبهه ای گسترده برای مبارزه در راه طرد رژیم ولایت فقیه است. کوتاه سخن: نامه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن بخشی از توطئه ارتجاع برای قبضه کامل قدرت است. ارتجاع از سویی هر صدای مخالف منتقدی را با خشونت خفه می کند و در پی برقراری آرامش گورستانی است و از دیگر سو نسخه های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی را با شدت و جدیت به اجرا در می آورد تا حمایت قدرتهای خارجی را کسب کند.

## تظاهرات باشکوه حزب کمونیست یونان

خیابان های مرکزی آتن در روز ۱۸ مهرماه صحنه تظاهرات باشکوه حزب کمونیست یونان در دفاع از خواست های کارگران بود. ده ها هزار زحمتکش و مبارز ترقیخواه یونانی به دعوت حزب کمونیست این کشور در طلب شعارهای رادیکالی از قبیل ۱۲۰۰ یورو حداقل حقوق ماهیانه، تقلیل سن بازنشستگی، اختصاص حقوق و مزایا به کارگران بیکار، حق کار و مزایا برای کارگران مهاجر و دیگر خواست ها در خیابان های آتن تظاهرات کردند. فعالان اتحادیه های کارگری رادیکال یونان در صفوف متشکل خود از این نمایش با شکوه حمایت کردند.

شعارهای انترناسیونالیستی تظاهرکنندگان و شرکت هیئت های نمایندگی بیش از ۶۰ حزب کمونیست- کارگری از پنج قاره جهان، و از جمله حزب توده ایران، در این تظاهرات و راهپیمایی آنان دوش به دوش کارگران یونانی نمایش زیبایی از شعار «کارگران جهان متحد شوید!» در عمل بود. نمایندگان حزب کمونیست کوبا و حزب مردم فلسطین و دبیرکل حزب کمونیست یونان، رفیق آلکا پاریگا، در گردهمایی شروع تظاهرات سخنرانی کردند که با استقبال گرم کارگران یونانی رو به رو شد.





## ادامه کنفرانس احزاب کارگری و کمونیستی....

کنفرانس بین المللی احزاب کمونیست کارگری در باره « مقاومت در برابر تجاوز امپریالیستی: جبهه های مبارزه و گزینه ها » با شرکت هیئت های نمایندگی ۶۴ حزب و به میزبانی حزب کمونیست یونان در روز های ۱۷ الی ۱۹ مهرماه در آتن پایتخت یونان برگزار گردید. هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران به دعوت حزب برادر در این گردهمایی مهم حضور و شرکت فعال داشت.

کنفرانس امسال احزاب برادر به دلیل اوضاع بغرنج خاورمیانه و تعمیق و گسترش بحران عراق و کوشش کشورهای امپریالیستی برای پیشبرد طرح آمریکایی «خاورمیانه بزرگ» اهمیت ویژه ای پیدا کرده بود. کمونیست های پنج قاره جهان در بحث های خود با توجه دادن به موازنه قوا در سطح جهان و خطراتی که بدلیل رشد نظامی گری و جنگ طلبی امپریالیسم آینده بشریت را تهدید می کند، ضرورت اتخاذ سیاست های واقع گرایانه و عملی بر پایه توجه عاجل به جنبش صلح، گسترش و پیوند دادن آن با جنبش مردمی مبارزه با «جهانی شدن» سرمایه داری را مطرح کردند.

کنفرانس با سخنرانی رفیق آلکا پاریگا، دبیر کل حزب کمونیست یونان و میزبان کنفرانس آغاز بکار کرد. رهبر حزب برادر در سخنان خود با اشاره به شرایط جهان در سال های اخیر و به ویژه پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر، تحلیل جامعی از زمینه های «تجاوز گری امپریالیستی»، جنگ طلبی و نظامی گری و ادامه و رشد مقاومت های مردمی ارائه داد. رفیق پاریگا خاطر نشان شد که «در طی این دوره ما مواجه با طرح آمریکایی «خاورمیانه بزرگ» هستیم، که با برخی تغییرات، در اساس توسط کشورهای «گروه ۸»، ناتو و اتحادیه اروپا مورد قبول قرار گرفته است. هدف این طرح تغییر کلی نقشه سیاسی منطقه بر طبق منافع امپریالیسم می باشد. رفیق پاریگا اضافه کرد: «یک عنصر که گرایش رشد یابنده آگاهی مردم در طول سال های اخیر را تصویر می کند، تشدید مبارزات در سراسر جهان بر علیه ناتو، اتحادیه اروپا، صندوق بین المللی پول، بانک جهانی می باشد.» او در ادامه با شماردن مشخصه های شرایط جهان معاصر، بررسی اجمالی ای را از مبارزات خستگی ناپذیر مردم ارائه داد و پیشنهادی را برای سازمان دهی موثر اجلاس احزاب کمونیست- کارگری مطرح کرد. هیئت های نمایندگی تمامی احزاب شرکت کننده در ادامه کنفرانس در سخنرانی های خود بر پایه تجربه مشخص به جنبه های مختلف مبارزه مردمی بر علیه تجاوزگری امپریالیستی و نیروهای فعال در این نبرد و اشکال سازماندهی جبهه های مقاومت پرداختند. شرایط بغرنج منطقه خاورمیانه و ضرورت برخورد با توطئه های امپریالیسم و از جمله «گسترش دموکراسی در خاورمیانه بزرگ» از سوی اکثر آنان مورد توجه قرار گرفت.

در سخنرانی نماینده کمیته مرکزی حزب مان که در روز اول کنفرانس ارائه شد و مورد استقبال نمایندگان احزاب حاضر قرار گرفت، مسئله «موازنه نامساعد قوا در صحنه جهانی» و این حقیقت که «امپریالیسم توانسته است که جبهه جنگ، یعنی مبارزه با «تروریسم»، و سلاح های آن ..... را تعیین کند» مطرح شد. نماینده حزب توده ایران خاطر نشان کرد که: «جنگ و نظامی

گری امپریالیسم آمریکا امروز به بزرگترین خطر برای بشریت تبدیل شده است. و بنابراین لبه تیز مبارزه زحمتکشان و نیروهای مترقی در سطح جهان باید متوجه آن باشد، ضمن آنکه می بایست ارتباط منطقی جنبه های دیگر مبارزه زحمتکشان را یافت و به این مبارزه پیوند منطقی داد.» پس از توضیح تحولات سالیان اخیر نماینده حزب مان متذکر گردید که: «خاورمیانه به عرصه مهمی از برنامه ریزی امپریالیسم بدل شده است. باید با درک دقیق حساسیت شرایط بهانه جویی امپریالیسم را عقیم کرد و از سوی دیگر با گسترش دموکراسی و مدنیت امکان بسیج توده ها را به عنوان تضمین استقلال و حق حاکمیت ملی ممکن کرد. رژیم های دیکتاتوری و اشکال خشن و عکس العمل های عصبی و حساب نشده و مواضع غیر منطقی بهترین هدیه را برای امپریالیسم برای ادامه سیاست های تجاوزگرانه خود فراهم می کنند. اصولیت سیاسی با انعطاف در سیاست گذاری در تضاد نیست.» او با اشاره به مضموم بودن تروریسم آنرا «بزرگترین خصم مبارزه توده ها» دانست و گفت: «باید نشان داد که کشور های سرمایه داری چگونه از مترسک تروریسم و جو ایجاد شده در سال های اخیر برای تحکیم پایه های یک دیکتاتوری مدرن سوء استفاده می کنند.»

او در ادامه خاطر نشان کرد که: «اصلی ترین و مهم ترین عاملی که می تواند جبهه دشمن ساخته را در هم بشکند ایجاد جبهه صلح است. و مبارزه در راه صلح آن حلقه منحصر به فرد و اساسی است که بوسیله آن می توان تمام گره ها را گشود و مبارزه خلق ها را به سطح عالی تر ارتقاء داد.»

نماینده حزب توده ایران آنگاه خاطر نشان شد که «مبارزه در راه صلح می تواند در عین حال مبارزه برای حفظ دستاورد های زحمتکشان باشد که در حال حاضر به شدت در همه کشور های سرمایه داری مورد تجاوز همه جانبه قرار گرفته است. پیوند جبهه صلح و جبهه مبارزه برضد «جهانی شدن» که در سال های اخیر پتانسیل عظیم و وسعت توده ای آن مشخص شده است، امری استراتژیک است.»..... «در سال های اخیر تلاش های مهمی برای احیاء موثر جنبش کشورهای غیر متعهد صورت گرفته است. این جنبش در اساس متحد بالقوه مبارزه برای حقوق زحمتکشان و در راستای صلح است. با درک قانونمندی های این جنبش و درک توان و محدودیت های آن باید سیاست هایی را تبلیغ کرد که به رشد این جنبش و اثر آن در مناسبات بین المللی کمک کند.» نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران در ادامه متذکر شد که: «در ارتباط با چنین پلاتفرمی می باید در رابطه با مبارزه برای گسترش دموکراسی، نفی هرگونه برخورد مطلق گرایانه و تمامیت گرانه و تروریسم و عملکرد های ماجراجویانه موضع مشخص و شفاف داشت.»

بحث های روز پایانی کنفرانس به تدوین پلاتفرم مشترک احزاب برادر، راه های هماهنگ کردن موثرتر کارزار های آن ها و توافق بر سر بیانیه مطبوعاتی نهایی کنفرانس اختصاص داشت. حضور فعال هیئت نمایندگی حزب توده ایران در بندهای بیانیه مشترک مصوبه اجلاس در رابطه با تحولات خاورمیانه و کشورمان ایران منعکس است. هیئت نمایندگی حزب توده ایران در طول اقامت خود در آتن، ملاقات و گفتگو های سودمندی با هیئت های نمایندگی احزاب از کشورهای پرتغال، ایالات متحده آمریکا، بحرین، سودان، لبنان، عراق، کوبا، ایرلند، قبرس، مالتا، هندوستان و اردن انجام داد و در رابطه با روابط متقابل با این احزاب قرار های مشخص مورد توافق قرار گرفت.

در نشست با اهمیتی که در حاشیه کنفرانس بین هیئت نمایندگی حزب

## ادامه کنفرانس احزاب کارگری و کمونیستی ....

توده ایران و رهبری حزب کمونیست یونان انجام گرفت، اوضاع دو کشور، موقعیت و شعارهای مبارزاتی جبهه نیروهای ترقی خواه در یونان و ایران مورد توجه قرار گرفت. رفیق کولوزوف، عضو هیئت سیاسی و مسئول روابط بین المللی حزب برادر با ارائه اسناد کنفرانس کشورهای ناتو که چهار ماه پیش از آن در استانبول انجام شده بود، و به ویژه طرح آمریکایی «خاورمیانه بزرگ» تحلیل حزب برادر از سیاست امپریالیسم در خاورمیانه را ترسیم نمود. هیئت های نمایندگی دو حزب برادر ضرورت گسترش آگاهی در مورد تهدیداتی که به لحاظ این طرح متوجه استقلال کشورهای منطقه و تمامیت ارضی آن ها می باشد، را خاطر نشان شدند. در رابطه با اوضاع ایران زمینه تهدیدات امپریالیسم آمریکا و موضع گیری های تحریک آمیز و غیر مسئولانه سران رژیم «ولایت فقیه» و خطراتی که به این سبب ایران و منطقه را تهدید می کند، مورد توجه قرار گرفت. هیئت نمایندگی حزب توده ایران خاطر نشان کرد که حزب توده ایران در کنار همه نیروهای ملی و مترقی کشور با هرگونه مداخله خارجی در اوضاع داخلی کشور و با هر بهانه ای مخالف است. این نشست با تأکید بر ضرورت حفظ، گسترش و تعمیق روابط مبارزه جویانه و انترناسیونالیستی بین دو حزب برادر به پایان رسید.

## بیانیه مطبوعاتی کنفرانس احزاب

## کمونیست - کارگری جهان

در روزهای ۸ تا ۱۰ اکتبر ۲۰۰۴، ۶۴ حزب کمونیست و کارگری در گردهمایی جهانی «مقاومت در برابر تجاوز امپریالیستی: جبهه های مبارزه و گزینه ها» در آتن، یونان، شرکت کردند. چندین حزب که به علت وجود شرایط ویژه در کشورشان نتوانسته بودند در گردهمایی شرکت کنند، درودها و نظریات خود را به طور کتبی فرستاده بودند که در اسناد گردهمایی گنجانده شد. در جریان مباحثات سه روزه گردهمایی، تبادل نظر خلاق پیروان شرایط جهانی صورت گرفت، و تجارب مهمی در ارتباط با پیشرفت جنبش خلقها، جنبش توده ای و جنبش های احزاب کمونیست و کارگری مبادله شد.

بسیاری از سخنرانان به شرایطی اشاره کردند که در حال حاضر در پی مداخله های نظامی آمریکا و متحدان آن علیه مردم افغانستان و عراق و اشغال آن کشورها پیش آمده است. شرکت کنندگان شدت یافتن تجاوز امپریالیستی و زیر پا گذاشتن اصول و مقررات حقوق بین الملل را که به بحرانی حتی بزرگتر در سازمان ملل و در نقش آن به عنوان حافظ صلح و مدافع حل مسالمت آمیز اختلاف بین دولت ها انجامیده است به صراحت محکوم کردند.

دکترین حمله پیشگیرانه و جنگ پیشگیرانه آمریکا، که از جانب اتحادیه اروپا، استرالیا و فدراسیون روسیه نیز به بهانه مقابله با تروریسم در پیش گرفته شده است، برای مردم دنیا و صلح جهانی خطرناک ارزیابی شد. به نظامی کردن ژاپن که پس از جنگ جهانی دوم برای نخستین بار است که به بیرون از مرزهای خود نیرو می فرستد توجه ویژه ای شد. همچنین بر ضرورت اقدام وسیع و هماهنگ احزاب و جنبش ها برای مقابله با این شرایط خطرناک، و نیز بر ضرورت به راه

انداختن کارزارها و بسیج های همگانی با هدف تغییر توازن نیروها در سطوح ملی، منطقه ای و جهانی به سود نیروهای صلح و سوسیالیسم تأکید شد. سخنرانان بسیاری به تهاجم سیاست های نئولیبرالی به حقوق اجتماعی و کاری زحمتکشانشان اشاره کردند، که در نهایت قربانیان اصلی آن جوانان و زنان هستند و یادآور شدند که در حالی که بار فزاینده بدهی خارجی نفس مردم کشورهای در حال توسعه را گرفته، فقر و تمرکز ثروت افزایش یافته است.

چندین سخنران به تحدید حقوق و آزادیهای دموکراتیک، بویژه در ارتباط با «قوانین ضد تروریسم»، تشدید سرکوب، و مشکلات مهاجران و پناهندگان اشاره و تلاش برای برچسب «تروریست» زدن به جنبش های مردمی و رهایی بخش ملی را قاطعانه رد کردند. این سخنرانان همچنین به حق مشروع مردم برای مقاومت در برابر اشغال اشاره و نگرانی خود را نسبت به افزایش کمونیسم ستیزی، بنیادگرایی، نژادپرستی، و قوت گرفتن دیدگاه ها و نیروهای نئو فاشیستی اعلام کردند. بر اهمیت همبستگی در مقابله با قوانین، ممنوعیت ها و محدودیتهای ضد کمونیستی، و اهمیت مخالفت با تهاجم امپریالیستی تأکید شد.

بسیاری از سخنرانان همچنین به نقش ویژه تصمیم های «گروه ۸» در سیاست بین المللی، نقش ناتو و دکتترین جدید تهاجمی آن بر اساس جنگ پیشگیرانه، و نقش جامعه اروپا و ایجاد «نیروی واکنش سریع» آن اشاره کردند. بر این امر نیز تأکید شد که گسترش اخیر مرزهای ناتو در اساس آن را به ژاندارم جهانی تحت رهبری امپریالیسم آمریکا تبدیل کرده است. شرکت کنندگان از سوی کشورهای عضو «جامعه مشترک المنافع تازه استقلال یافته» ضمن اشاره به رویداد های تأثیر برانگیز اخیر در فدراسیون روسیه بر این نظر بودند که آن وقایع به منافع محافل امپریالیستی، و بیش و پیش از همه به منافع آمریکا مربوطند، و هدفی جز تضعیف فدراسیون روسیه ندارند.

سخنرانان بویژه به طرح آمریکایی «خاورمیانه بزرگ» اشاره کردند که از طرف کشورهای صاحب قدرت «گروه ۸» و نیز از سوی ناتو تأیید شده است. ناتو «تغییر نقشه» منطقه را در نظر دارد که همخوان با منافع امپریالیستی است و شامل عملیات نظامی نیز می شود. سخنرانان بر ضرورت مقابله فوری با این طرح از طریق بسیجی هماهنگ تأکید کردند. این طرح تقریباً کل کمر بند انرژی کشورهای تولید کننده نفت یا کشورهای را در بر می گیرد که خطوط انتقال نفت و گاز از آنها می گذرند، و شامل کشورهای قفقاز، حوزه دریای خزر، کشورهای آفریقایی و عرب حوزه مدیترانه و دریای سرخ و خلیج فارس می شود.

در جریان نشست ها به این امر اشاره شد که تهدیدهای آمریکا و متحدان آن علیه سوریه و لبنان اخیراً شدت یافته است. شرکت کنندگان این تهدیدها را قاطعانه محکوم و همبستگی خود را با مردم آن کشورها اعلام کردند. تجاوز دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین و نیز توحش بی حد و حصر آن در نوار غزه و ساختن دیواری که مناطق اشغالی ساحل غربی را به اسرائیل می پیوندد و فلسطینی ها را عملاً در یک زاغه محبوس می کند محکوم شد.

تهدیدهای دولت آمریکا علیه ایران و بیانیه های تحریک آمیز رژیم ایران خطر به آتش کشیده شدن و نابودی کامل منطقه را پدید آورده است. حمله نظامی آمریکا به ایران نه تنها برای مردم ایران بلکه برای جنبش صلح، ترقی و دموکراسی در سراسر جهان فاجعه آمیز خواهد بود. از این گونه تهدیدها به عنوان بهانه ای برای تشدید سرکوب نیروهای مترقی و دموکراتیک نیز استفاده می شود. شرکت کنندگان در گردهمایی یاد آور شدند که آینده ایران باید تنها از طرف خود مردم ایران و نیروهای مترقی و دموکراتیک آن، و نه از طریق یک «راه حل جایگزین» تحمیل شده از طرف نیروهای خارجی تعیین شود.

## ادامه بیانیه مطبوعاتی کنفرانس احزاب ...

فلسطین تأکید و همبستگی خود را با نیروهای صلح دوست اسرائیل اعلام کردند. بویژه به وضعیت جوانان اسرائیلی اشاره شد که از خدمت در ارتش در مناطق اشغالی سر باز می زنند و به این دلیل زندانی می شوند. شرکت کنندگان ادامه اشغال سرزمین های سوریه و لبنان را محکوم کردند و خواهان خروج بی قید و شرط نیروهای اسرائیلی و بازگشت همه آوارگان بر اساس قطعنامه های شماره ۲۴۲، ۳۳۸ و ۱۹۴ سازمان ملل شدند. شرکت کنندگان همبستگی و حمایت خود را از مبارزات مردم قبرس - یونانی ها و ترک ها برای دستیابی به یک راه حل فدرال بر اساس تصمیم ها و قطعنامه های سازمان ملل و شورای امنیت آن، برای خروج نیروهای اشغالگر ترکیه، و برای وحدت قبرس و مردم آن که به استقرار صلح در منطقه شرق مدیترانه کمک خواهد کرد، اعلام کردند.

در ارتباط با جنبش های ضد جنگ و ضد جهانی سازی، نقش کمونیست ها در آنها، و همچنین چالش درون این جنبش ها برای سمتگیریشان، تبادل نظر شد. ضرورت گسترش فعال همبستگی سیاسی و حمایت در میان احزاب کمونیست و کارگری، و به طور عام در میان جنبش های مردمی، مورد توجه قرار گرفت. بسیاری از سخنرانان ضرورت حمایت از یک رشته ابتکارهای مطرح شده از طرف چندین حزب یا جنبش کمونیستی و کارگری را یادآور شدند.

شرکت کنندگان بر نیاز به ادامه و افزایش نشست های مشابه احزاب کمونیست و کارگری تأکید کردند. به عنوان نمونه به نشست احزاب کمونیست آمریکای جنوبی و فکر برگزاری نشست های مشابه به مناسبت برگزاری اجلاس جامعه اروپا اشاره شد. نیاز به نشست های وسیع تر پیرامون موضوع های مورد علاقه بین المللی و نشست های منطقه ای و محلی نیز مورد توجه قرار گرفت. برگزاری نشست پیرامون موضوع های منطقه ای از ابتکارهای حزب کمونیست لبنان بود. همچنین پیشنهاد شد که شصتمین سالگرد پیروزی ضد فاشیستی به صورت یک رویداد بین المللی در پراگ جشن گرفته شود.

رویدادهای مهمی که می توانند هدف کارزارها و بسیج های همگانی باشند عبارتند از: مبارزه علیه قانون اساسی اتحادیه اروپا و واکنش های در حال شکل علیه تهاجم به بیمه های اجتماعی و مزایای کارگران؛ افزایش ساعت های کار و «تعدیل نیروی انسانی»؛ پیگیری بسیج ضد ناتو، که نشست آن امسال در ونیز و سال دیگر در نیس است؛ و همچنین مبارزات جوانان بویژه با در نظر داشتن برگزاری جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان درماه اوت آینده در ونزوئلا.

در جریان گردهمایی پیشنهاد شد که احزاب ما تلاش کنند که در ارتباط با رویدادهای مهم جهانی و با هدف بررسی جمعی تر پیشنهادها و شناخت و موضعگیری متحدتر با یکدیگر دیدار و تبادل نظر کنند. ابتکار حزب کمونیست برزیل که در کار سازماندهی یک رویداد بزرگ بین المللی در جریان برگزاری «همایش اجتماعی جهانی» در پورتو آلگرا برزیل است، یک چنین فرصتی است.

تأثیر مثبت تبادل نظر و همکاری بین احزاب کمونیست و کارگری بر هماهنگی و عمل متحد نیروهای گسترده ضد امپریالیست، ضد انحصار، دموکراتیک و میهن دوست، و نیز بر گسترش جنبش ضد جهانی سازی سرمایه داری، از طرف بسیاری از سخنرانان مورد تأکید قرار گرفت. همچنین به سودمندی گسترش تبادل آرا و افکار و بحث های نظری پیرامون چشم انداز سوسیالیسم در شرایط معاصر نیز اشاره شد.

شرکت کنندگان به ضرورت تقویت هر چه بیشتر همبستگی انترناسیونالیستی احزاب ما با کمونیست ها و دیگر نیروهای مترقی که با پیگرد و زندان روبرو هستند، و با آلهایی که فعالیتشان غیرقانونی شده است تأکید کردند. علاوه بر این، نیاز به همبستگی در فعالیت علیه تبعیض های ضد موکراتیک و مقررات ارتجاعی که حقوق و آزادیهای دموکراتیک را هدف قرار می دهند، ابراز شد.

چندین سخنران اشاره به اوضاع پیچیده آفریقا کردند، منطقه ای که در آن تضاد بین نیروهای قدرتمند اتحادیه اروپا، بخصوص فرانسه از یک سو و آمریکا از سوی دیگر در حال شکل گیری است. ناتو نیز برای حضور نظامی خود در قاره آفریقا به نام مقابله با تروریسم یا مقابله با به اصطلاح «دولت های قاصر طرحی را تحت بررسی دارد. در حال حاضر نیروهای نظامی اتحادیه اروپا در جمهوری خلق کنگو حضور دارند. از رویداد های دارفور، که تنها ناشی از سیاست های دولت سودان است، به عنوان بهانه ای برای استقرار نیروهای نظامی تحت نظارت سازمان ملل یا ناتو بهره برداری می شود. شرکت کنندگان همبستگی خود را با مردم دارفور اعلام و از پیشنهاد گسیل هیئت های همبستگی به منطقه حمایت کردند.

در آمریکای لاتین نیز سطح تشنج بالاست. حمله های آمریکا و اتحادیه اروپا علیه کوبا ادامه دارد. شرکت کنندگان در این کنفرانس با قاطعیت طرح «پیشنهاد برای کوبای آزاد» را محکوم و همبستگی خود را با مردم کوبا اعلام کردند. شرکت کنندگان خواهان تشدید مبارزه برای آزادی پنج میهن دوست کوبایی شدند که به خاطر مبارزه برضد گروه های تروریستی در میامی، در آمریکا زندانی اند.

بسیاری از شرکت کنندگان به افزایش تنش ها در شبه جزیره کره اشاره و همبستگی خود را با جمهوری دموکراتیک خلق کره در رویارویی با محاصره اقتصادی، انزوای دیپلماتیک و تهدید به تجاوز امپریالیستی، که از سوی آمریکا هدایت می شود، اعلام کردند. در جریان گردهمایی به این موضوع اشاره شد که طرح «منطقه تجاری آزاد قاره آمریکا» و نسخه نظامی آن در «طرح کلمبیا» که اکنون به «طرح منطقه ای آند» تغییر نام یافته است، خطر بزرگی برای مردم آمریکای لاتین به شمار می روند. همچنین اشاره شد که «طرح پاناما - پوئبلا» هدفی جز استثمار منابع طبیعی منطقه از طرف شرکتهای فراملیتی آمریکای شمالی را دنبال نمی کند.

برخی از سخنرانان ضمن اشاره به اوضاع در کشورهای عضو جامعه اروپا، بر ماهیت ارتجاعی، نئولیبرالی و میلیتاریستی «معاهده قانون اساسی» جامعه اروپا و گام هایی که احزاب و جنبش ها برای رد آن برداشته اند تأکید کردند.

چندین سخنران یادآور شدند که به رغم تجاوز فزاینده امپریالیسم، پیدایش و اوجگیری جنبش ها و واکنش های مردمی گسترده در برابر جنگ های امپریالیستی بسیار امیدوار کننده است. اشاره شد که همزمان با تجاوزهای امپریالیستی، مبارزات طبقاتی مهم از سوی جنبش سندیکایی طبقه کارگر و دیگر مبارزات اجتماعی در جریان بوده و هست. همچنین بر ضرورت گسترش فعالیت در محیط های کارگری و حمایت هر چه بیشتر از نیروهای طبقه کارگر در جنبش های کارگری و سندیکایی تأکید شد.

سخنرانان متعددی یاد آور این نکته شدند که آمریکا به رغم قدرتش، برای تحمیل نقشه های خود با مشکلات زیادی روبروست. در این مورد، یک عامل مهم مقاومت مردم بوده است که با برخورداری از همبستگی بین المللی، از استقلال ملی و حاکمیت خود دفاع می کنند. بر این امر تأکید شد که پیروزی نیروهای مردمی در رأی گیری اخیر ونزوئلا تأثیر گسترده ای بر جنبش مردمی داشته است. شرکت کنندگان همبستگی خود را با مردم و نیروهای مترقی و مردمی عراق اعلام کردند که برای تعیین سرنوشت آزادانه خود، و برای خاتمه دادن به اشغال و گشودن چشم انداز هایی برای تغییرات دموکراتیک رادیکال مبارزه می کنند.

شرکت کنندگان گردهمایی بر حمایت خود از مبارزات مردم



## پیام های تبریک احزاب برادر به مناسبت شصت و سومین

## سالگرد بنیانگذاری حزب توده ایران

در هفته های اخیر پیام های متعددی از طرف احزاب کمونیست و سازمان های ترقی خواه کشورهای مختلف جهان و از جمله عراق، سودان، یونان، شیلی، انگلستان، آمریکا و هند به مناسبت جشن ۶۳مین سالگرد حزب توده ایران دریافت کرده ایم. در این پیام ها احزاب برادر با توجه به اوضاع بغرنج منطقه خاورمیانه و اوچگیری درگیری های لفظی بین ایالات متحده و سران رژیم «ولایت فقیه» همبستگی بین المللی خود با مبارزات حزب توده ایران را اعلام کردند. در ادامه متن پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان به عنوان نمونه برای اطلاع خوانندگان نامه مردم منتشر می شود.

رفقای گرامی،

کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان به مناسبت شصت و سومین سالگرد بنیانگذاری حزب شما، درودهای رفیقانه، انترناسیونالیستی و رزمجویانه اش را به شما تقدیم می کند. ما نسبت به رفقا و هواداران حزب توده ایران که در راه مبارزه برای صلح، دموکراسی و سوسیالیسم شهید شده اند ادای احترام می کنیم. ما بویژه همبستگی مان را با خانواده های هزاران زندانی سیاسی، که به طور دسته جمعی در سال ۱۳۶۷ کشته شدند، اعلام می کنیم و از خواست برحق آنها مبنی بر دریافت اطلاعات رسمی درباره همه جنبه های این جنایت و پیگرد و مجازات مرتکبین آن حمایت می کنیم.

رفقای گرامی،

ما دورانی را می گذرانیم که در نتیجه مداخله های نظامی آمریکا و متحدان آن بر ضد خلق های افغانستان و عراق و اشغال این دو کشور، یکی از بحرانی ترین دوران های تاریخ این منطقه محسوب می شود. اکنون ثابت شده است که دکترین حمله پیشگیرانه و جنگ پیشگیرانه آمریکا، که تحت نام «مقابله با تروریسم» از سوی اتحادیه اروپا، استرالیا و فدراسیون روسیه نیز دنبال می شود، بی تردید تهدید و خطری جدی است برای صلح و امنیت بین المللی. خلق های کشورهای حوزه مدیترانه جنوبی و شرقی، دریای احمر و خلیج فارس اکنون با تهدیدی جدید و بخصوص خطرناک در سایه طرح خاورمیانه بزرگ روبرو هستند که از سوی آمریکا مطرح شده، و مورد تأیید مقتدرترین کشورهای عضو گروه ۸ و ناتو قرار گرفته است، و هدف تغییر نقشه این منطقه بر اساس منافع امپریالیستی را دنبال می کند که می تواند اقدام نظامی هم در بر داشته باشد. این طرح تقریباً کل کمربند انرژی کشورهای تولید کننده نفت یا کشورهای را در بر می گیرد که خطوط انتقال نفت و گاز از آنها می گذرد. در همین رابطه، تهدید های دولت آمریکا علیه ایران خطر به آتش کشیده شدن و نابودی کامل منطقه را پدید آورده است. حمله نظامی آمریکا به ایران نه تنها برای مردم ایران بلکه برای جنبش صلح، ترقی و دموکراسی در سراسر جهان فاجعه آمیز خواهد بود. رژیم حاکم بر ایران از این گونه تهدیدها به عنوان دستاویزی برای تشدید سرکوب نیروهای مترقی و دموکراتیک کشور استفاده می کند.

رفقای گرامی،

حزب ما همبستگی و حمایت را از مبارزه مردم و نیروهای مترقی ایران در راه دموکراسی، صلح و عدالت اجتماعی اعلام می کند. همین طور، ما تحریکات خارجی و تهدید به مداخله کشورهای خارجی در امور داخلی کشور شما را قاطعانه مردود می شماریم. ما اطمینان داریم که مردم شما در مبارزه شان در راه صلح، آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی در ایران پیروز خواهند شد. دوباره بر همبستگی قاطع خود با مبارزه شما تأکید می کنیم. مایلم بار دیگر از حزب توده ایران به خاطر تشریک مساعی اش در نشست های بین المللی و نیز ارتقای عمل مشترک و هماهنگ احزاب کمونیست و کارگری سپاسگزاری کنیم. با توجه به این ملاحظات، رفقای گرامی، و با امید به این که رابطه رفیقانه ژرفی که بر پایه همبستگی انترناسیونالیستی و احترام به استقلال طرفین بین دو حزب ما وجود دارد، هر چه گسترده تر شود، درودهای گرم رفیقانه مان را تقدیم شما می کنیم.

کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان -- آن، اکتبر ۲۰۰۴

## جهان کشتار مردم فلسطین را محکوم می کند!

دولت اسرائیل در عملیات برنامه ریزی شده ای که خشم جهانیان را به همراه داشت، به اشغال مجدد بخش بزرگی از نوار غزه و کشتار فلسطینی های بی دفاع دست زد. حمله اخیر اسرائیل به شمال نوار غزه و اشغال مجدد آن نشان داد که دولت شارون هیچ احترامی برای افکار عمومی جهان و سازمان های بین المللی قایل نمی باشد. در همین راستا نیز، به بهانه های گوناگون تلاش کرده است تا قدم به قدم ساختارها و سازمان های گوناگون فلسطینی را، یکی پس از دیگری، نابود سازد. حملات اخیر که به کشته شده بیش از یک صد نفر و زخمی شدن تعداد بی شمار دیگری منجر شد، با واکنش های شدید جهانیان روبرو گردید. اولین واکنش علیه این عملیات از سوی کشورهای عربی صورت گرفت. همچنین کشورهای شورای همکاری خلیج فارس این عملیات را «تروریسم دولتی سازمان یافته خواندند». شورای امنیت سازمان ملل نیز در روز سه شنبه ۱۴ مهرماه، با صدور قطعنامه ای، که از طرف کشورهای عربی تقاضا شده بود، حمله اسرائیل به فلسطین را محکوم کرد و خواستار پایان فوری عملیات نظامی ارتش اسرائیل در نوار غزه و خروج نیروهای این کشور از منطقه شد. اما آمریکا این قطعنامه را، به مانند سایر قطعنامه ها علیه اسرائیل، وتو کرد و جان دانفورت، نماینده آمریکا در سازمان ملل در این مورد گفت: «مشکل این است که در قطعنامه هیچ چیزی تعادل ندارد ... کاملاً یک جانبه است و تقصیرها را به گردن اسرائیل می اندازد». پیش از این ها نیز دولت آمریکا در مورد حملات اسرائیل گفته بود: «اسرائیل، نزدیک ترین متحد آمریکا در خاور میانه، از حق دفاع از خود برخوردار است.» به دنبال افزایش موضع گیری های ضد اسرائیلی در سراسر جهان اسناد محرمانه ای از اسناد وزارت امور خارجه اسرائیل منتشر شد که نشان می دهد اسرائیل نگران گسترش اتحادیه اروپا و قدرت گرفتن آن و رشد اختلاف اتحادیه اروپا با این کشور است. اختلافی که می تواند سبب شود تا اسرائیل به سرنوشت دولت آفریقای جنوبی در زمان آپارتاید گرفتار شود. دولت اسرائیل اظهار نگرانی کرده است: «توسعه اتحادیه اروپا ممکن است باعث طرح این تقاضا شود که اسرائیل کنوانسیون های بین المللی را رعایت کند» (روزنامه گاردین ۱۴ اکتبر ۲۰۰۴)

آن چه که اسرائیل تا کنون توانسته است با اتکا به حق وتو آمریکا در سازمان ملل، از قبول آن ها سرباز بزند و به جنگ نابرابر خود علیه مردم فلسطین و اشغال گری های خود ادامه دهد.

## کمک های مالی رسیده

هواداران حزب در نیویورک به مناسبت ۶۳مین سالگرد حزب توده ایران ۶۰۰ دلار  
کمک مالی شرکت کنندگان در جشن ۶۳مین سالگرد حزب توده ایران- لندن ۵۰۰ پوند

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر گونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Nameh Mardom-NO 698  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

26 October 2004

شماره فاکس و  
تلفن پیام گیر ما  
۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام# IRAN e.V. #####  
شماره حساب# 790020580#####  
کد بانک# 10050000#####  
بانک# Berliner Sparkasse